



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال دهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۲۳

## سنجش و ارزیابی شاخص‌های رشد هوشمند در مناطق شهری با تأکید بر مدل تصمیم‌گیری WASPAS (نمونه موردی: شهر ساری)

محمد اجزاء شکوهی (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

[shokouhim@um.ac.ir](mailto:shokouhim@um.ac.ir)

برات علی خاکپور (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

[khakpoor@um.ac.ir](mailto:khakpoor@um.ac.ir)

سیده الهام داوری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

[elham.davari@mail.um.ac.ir](mailto:elham.davari@mail.um.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۰۴/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

صص ۱۰۵-۱۲۵

### چکیده

توجه به توسعه کالبدی شهر، یک ضرورت اساسی در برنامه‌های توسعه شهری محسوب می‌شود. در ایران گسترش سریع فیزیکی شهرها در قالب رشد بدون برنامه و ناموزون در راستای علل مختلف از جمله مهاجرت‌های بی‌رویه یکی از مشکلات اساسی شهرها محسوب شده که پدیده‌ای تحت عنوان پراکنده رویی از نتایج رشد این‌گونه است. پراکنده رویی شهری و آثار متعدد اقتصادی و زیست‌محیطی آن، صاحب‌نظران مسائل شهری را به کنکاش جهت یافتن راهبردهایی برای مقابله با این امر واداشت. یکی از این راهبردها، نظریه رشد هوشمند است. رشد هوشمند استراتژی عاقلانه‌ای برای جهت دادن به پراکنده‌گی به سمت پایداری و توسعه هدفمند است. هدف از پژوهش حاضر ارزیابی شاخص‌های رشد هوشمند در مناطق شهر ساری است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی است. روش تحقیق با توجه به ماهیت مسأله مورد مطالعه، توصیفی-تحلیلی است. برای تحلیل داده‌ها، افزون بر استناد به مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای از روش‌های تحلیل آماری استفاده شده و در نهایت رتبه هر یک از مناطق ساری از منظر رشد هوشمند با استفاده از مدل واسپاس ارزیابی شده است. نتایج نشان داد بین مناطق از نظر شاخص‌های رشد هوشمند نابرابری وجود دارد. در واقع شاخص‌های رشد هوشمند در مناطق چهارگانه ساری توزیعی نامتعادل دارد.

**کلیدواژه‌ها:** پراکنده رویی، تکنیک واسپاس، رشد شهری، رشد هوشمند، ساری.

## ۱. مقدمه

گرایش به شهر و شهرنشینی پدیده فراگیر مدرنیته در کشورهای جهان است؛ به طوری که پیش‌بینی شده است بیشترین میزان افزایش جمعیت و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه اتفاق خواهد افتاد (کرکه آبادی و مسلمی، ۱۳۹۹، ص. ۳۵). رشد شهری، فرایندی پویا و پویایی مداوم است که طی آن محدوده فیزیکی شهر و فضاهای کالبدی آن، در ابعاد عمودی و افقی از نظر کمی و کیفی توسعه می‌یابد (علی‌اکبری، ۱۳۹۶، ص. ۵۷). هر چند رشد شهر مانند هر ارگانسم دیگر فی‌نفسه یک پدیده مثبت به شمار می‌رود، اما این رشد ناموزون و نامتعادل شهرهاست که یک مسئله محسوب می‌شود (مودت و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۲).

در تمام شهرهای جهان گسترش و توسعه‌ی شهر در جهات عمودی و افقی یکی از عوامل مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان شهری است. این بحث در ادبیات علمی قدمتی کمتر از صدسال دارد. به طور دقیق کاربرد این اصطلاح از اواسط قرن بیستم متداول شد و آن زمانی بود که استفاده‌ی بی‌رویه از اتومبیل متداول گشت و بخش اعظم اعتبارات شهری به سوی گسترش بزرگراه‌ها و بسط فضاهای شهری سوق یافت (ا‌هس، ۲۰۰۱، ص. ۴). این نوع توسعه‌ی ناموزون شهری که اصولاً در اراضی آماده نشده‌ی شهرها اتفاق افتاده است، نتایج بسیاری از جمله افزایش زمین‌های بلااستفاده، افزایش سهم فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش‌های شهری و جدایی‌گزینی اجتماعی را در پی داشت. این امر سبب گردید جین جیکوبز و لوییز مامفورد ضد شیوه‌ی مدرنیستی حومه‌نشینی قرن بیستم سبب چرخش توسعه از حومه‌نشینی به بخش درونی شهرها و بازگشت به ویژگی‌های شهری گذشته و انسان‌محور شده و بازآفرینی را در دستور کار قرارداد و جنبش اجتماع‌گرایی، نوشهرگرایی، مدیریت رشد شهری و رشد هوشمند را به‌مثابه‌ی واکنشی در برابر رشد پراکنده مطرح ساخته است (سیف‌الدینی و شورچه، ۱۳۹۳، ص. ۲۷). از سوی دیگر در سال‌های اخیر گسترش بی‌رویه و سریع نواحی شهری به همراه تراکم و تمرکز بیش‌ازحد جمعیت در محدوده شهرهای ایران، تداوم حیات سالم شهری را در ابعاد مختلف با مخاطره و چالش‌های جدی مواجه نموده است. با به‌کارگیری چنین رویکردی در فضاهای شهری، باگذشت زمان شهرها دیگر توان ارائه خدمات لازم به شهروندان خود را در چارچوب محدوده فضایی و جغرافیایی خود نداشته و توسعه فضایی مطلوب با تأکید بر مفاهیم رشد هوشمند شهری را به‌عنوان چاره‌ای برای پایان بخشیدن به بی‌برنامگی توسعه فیزیکی شهرها مدنظر قرار داده‌اند (خمر و حیدری، ۱۳۹۵، ص. ۲۵۳).

در دو دهه گذشته راهبرد رشد هوشمند در چارچوب نظریه توسعه پایدار شهری و حمایت از الگوی شهر فشرده بناشده است. در حقیقت، توجه به شهر فشرده و رشد هوشمند به‌عنوان یکی از راه‌های رسیدن به این فرم شهری، به دلیل آثار نامطلوب الگوهای توسعه پراکنده در زمینه‌های سیاسی و زیست‌محیطی به‌صورت وسیعی افزایش یافته است (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۹۳). رشد هوشمند شهری به‌عنوان ابزاری توانمند در سنجش میزان تمرکز یا

پراکنده بودن رشد یک شهر در چارچوب الگوهای رایج و ایده آل، امروزه نقش غیرقابل انکاری در توسعه، تغییر و شکل‌دهی نقاط سکونت‌ی انسان‌ها به‌ویژه شهرها ایفا می‌کند (افضلی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۳۵). راهبرد رشد هوشمند، مدیریت پویا و انعطاف‌پذیر رشد شهری بوده که دو هدف کارایی و کیفیت محیطی فضای شهری را مدنظر قرار دارد و به‌عنوان روشی اصلاحی برای رشد پراکندگی شهری در جهت رفع مشکلات شهری عمل می‌کند (رضایی بزنجانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۵).

امروزه راهبرد رشد هوشمند، سعی در شکل‌دهی مجدد شهرها و هدایت آن‌ها به‌سوی اجتماع توانمند با دسترسی به محیط‌زیست مطلوب دارد (فردوسی و شکری فیروز جاه، ۱۳۹۴، ص. ۱۵؛ عبدالی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۸۳). مهم‌ترین منابع موجود در زمینه‌ی رشد هوشمند شهرمیتوان به: هدایت و کاجیتا در سال (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان مزایای رشد هوشمند شهری به این نکته اشاره نموده اند که رشد هوشمند شهری از منظر اقتصادی، گسترش شهری نتیجه نیروهای بازار است. تا زمانی که سود حاشیه‌ای استفاده از زمین شهری بیشتر از کاربری زمین کشاورزی باشد، گسترش شهری اتفاق می‌افتد. با این حال، یک مکانیسم بازار واحد در تخصیص منابع زمین شهری از جمله توزیع ناعادلانه سود و از بین رفتن منابع عمومی زمین ممکن است منجر به شکست بازار شود. تیان و همکاران (۲۰۱۶)، در مطالعات رشد پراکنده شهری به این امر پرداخته است. رشد شهری اغلب به سمت اراضی کشاورزی و بیشتر به‌صورت اسپرال رخ می‌دهد. همچنین، در طی دوره زمانی اراضی مسکونی روستایی به زمین‌های شهری تبدیل می‌شود. اوینگ (۲۰۰۸)، در مطالعات خود مربوط به شهر پراکنده معتقد است، که مهم‌ترین مطالعات مربوط به پراکنده رویی شهری را انجام داده است در ارتباط با الگوهای پراکنده رویی شهری آن را در قالب چهار زیرگونه اصلی توسعه با تراکم کم، توسعه خطی، توسعه گره‌گره‌های و توسعه پراکنده تقسیم می‌نماید. وی در مطالعه خود پراکنده رویی شهری را مترادف و نزدیک با گسترش طبیعی مناطق کلان‌شهری بر اساس رشد جمعیت فرض کرده، ولی در مجموع این‌گونه از رشد شهری دارای مفاهیمی نزدیک به توسعه پراکنده، جهشی و تکه‌تکه، توسعه خطی، توسعه‌ی پیوسته با تراکم پایین می‌باشد. آنجل (۲۰۰۷)، معیارهای پراکندگی شهری: تجزیه و تحلیل گسترش شهری جهانی با استفاده از GIS یکی دیگر از مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های پراکنده رویی شهری را در قالب پنج دسته اصلی تقسیم‌بندی نموده است که عبارت‌اند از؛ توسعه پراکنده، توسعه نواری، حاشیه شهری، هسته شهری ثانویه و هسته اصلی شهر. در این مطالعه آنجل برخلاف تقسیم‌بندی کاماگنی و همکارانش، توسعه نواری را زیرمجموعه پراکنده رویی شهری قلمداد نموده است. وی در این مطالعه خود آستانه‌هایی را برای شناخت الگوی پراکنده رویی شهری از سایر الگوهای مشابه معرفی می‌نماید.

همچنین مومنی و همکاران (۱۴۰۰)، تحلیل و ارزیابی میزان تاثیرگذاری شاخص‌های رشد هوشمند بر توسعه شهری اراک نتایج حاصله بیانگر آن است که شاخص کالبدی اراضی مهم‌ترین شاخص رشد هوشمند در توسعه شهری اراک است. رهنما و حیاتی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهر مشهد بوده است. در این پژوهش با تلفیق و تحلیل شاخص‌های موردسنجش این پژوهش در مدل ANP، مشخص گردید که

منطقه هشت شهرداری مشهد با امتیاز ۰/۱۰۸ بهترین ساختار رشد هوشمند شهری را در میان مناطق شهر مشهد داراست. همچنین با استفاده از تحلیل خودهمبستگی فضایی موران در نرم افزار GeoDa مشخص گردید که میان-شاخص های دسترسی و زیست محیطی در میان مناطق شهر مشهد تفاوت معنی داری وجود ندارد. عزیزی و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه ای با عنوان تراکم در شهرسازی پرداخته اند، که یافته های تحقیق نشان می دهد که در شهر یزد تراکم ساختمانی ارتباط مستقیم با تراکم جمعیتی دارد، در حالی که ارتباطی معکوس با متغیرهای فاصله از مرکز اقتصادی شهر، فاصله از مراکز ناحیه ای، قیمت زمین و مساحت بلوک شهری دارد. نسترن (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولوی بندی توسعه ی پایدار مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان) پرداخت. رشد هوشمند به برنامه ریزان و طراحان یادآوری می کند که الگوهای متنوع مسکن، استفاده از مصالح و ابزارهای نوین و متناسب با سبک زندگی هر شهر و همچنین ایجاد تعادل میان رشد مسکن و رشد تأسیسات شهری باید در نظر گرفته شوند. مشکینی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان ارزشیابی و تحلیل کاربری های شهری با تأکید بر کاربری فضای سبز شهری شهر گلستان پرداخته اند. نتایج بیانگر این نکته بود از مهم ترین پیامدهای پراکنده رویی شهری می توان به تخریب محیط زیست، تخریب زمین های کشاورزی، فقدان فضاهای باز، افزایش مصرف انرژی و ایجاد آلودگی به واسطه کاهش میزان استفاده از وسایط نقلیه همگانی اشاره نمود. همچنین الگوی پراکنده رویی شهری دارای تأثیرات مثبتی از جمله تولیدات اقتصادی بیشتر، فرصت های شغلی جدید برای افراد بیکار، زندگی بهتر به دلیل فرصت ها نیز است. قربانی نوشاد (۱۳۸۷) با عنوان راهبرد رشد هوشمند در توسعه شهری اصول و راهکارها در این مقاله اصول، راهبردها و مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی رشد هوشمند بررسی شده و در عین حال برخی از انتقادات وارده بر آن از جمله آلودگی هوا، افزایش هزینه خدمات عمومی، پایین آمدن قدرت خرید مردم و... مورد تعمق قرار گرفته است.

بنابراین میتوان بیان نمود فرم و الگوی رشد شهر به عنوان نمادی کالبدی از مراحل رشد و توسعه، در محیط های مختلف و در ارتباط با عوامل اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و انسانی الگویی متمایز به خود گرفته و از سویی نیز بر این عواملی و به ویژه عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر است. فرم شهری که پیکربندی فضایی از الگوی کاربری اراضی شهری را نشان می دهد (چن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۸، ص. ۳۳). باعث تنوع شکل یا الگوی رشد شهرها در کشورهای مختلف شده است؛ اما به طور کلی رشد شهر به صورت یک فرآیند دوگانه گسترش بیرونی و رشد فیزیکی سریع یا رشد درونی و سازمان دهی مجدد است (قرخلو و زنگنه شهرکی، ۲۲، ص. ۱۳۸۸). در این شرایط دو بحث و نظریه اصلی و متضاد برای پایداری شهرها در اواخر قرن بیستم عبارت اند از:

- الف) متراکم کردن و فشرده سازی شهری (نظریه توسعه فرم شهری فشرده و بخشی از مفهوم شهر فشرده).  
 ب) پراکنشی و گسترده سازی شهری (نظریه توسعه گسترده فرم شهری که به توسعه «کم تراکم» منجر می شود).

پراکنده رویی شهری یا «اسپرال» در فرهنگ واژگان برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به معنای پخشایش کنترل نشده توسعه بر روی زمین روستایی یا زمین توسعه‌نیافته است (سیف‌الدینی، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۵). طبق نظر برخی محققان (باتی<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۰؛ نیولینگ<sup>۲</sup>، ۱۹۶۹)، پراکنده رویی به‌عنوان یکی از مراحل رشد شهری، از طریق تراکم کم و گسترش افقی مشخص می‌شود. علاوه بر این، این گسترش ناگهانی در مناطق پیرامون شهری، یک پدیده‌ای است نیست، بلکه بخشی از تکامل شهرنشینی است. تحول فرم شهری در سطح خرد در شکل شماره ۱ نشان داده شده است. به‌طوری‌که T نشان‌دهنده دوره‌های زمانی متفاوت می‌باشد. در مرحله اول فعالیت‌های شهری در هسته‌های مجزا از هم و به‌طور خوشه‌ای شکل می‌گیرند. در مرحله دوم بعد از چندین دهه خوشه‌های متفاوت شکل می‌گیرند (رشد چند هسته‌ای). نهایتاً پس از گذشت سال‌ها، رشد درون‌زای خوشه‌ها منجر به شکل‌گیری ساختمان‌های فشرده و به‌هم‌پیوسته می‌گردد؛ اما این رشد ممکن است فشرده نباشد و منجر به توسعه کم تراکم شهری و در اصلاح پراکنده رویی گردد.

می‌توان بیان نمود رشد هوشمند شهری سه زمینه اصلی داشته است که در آن ارتباط متقابل باهم مورد ملاحظه قرار گرفته است: تراکم، کاربری زمین و شیوه حمل‌ونقل؛ اصلاحات در قالب مورد اول، شامل محدود نمودن توسعه و رشد شهری بوده است. اصلاحات و راه‌حل‌ها در قالب مورد دوم، ایجاد کاربری‌های مختلط است. اصلاحات مورد سوم نیز شامل استفاده از تنوعی از شیوه‌های مختلف حمل‌ونقل با تأکید بر حمل‌ونقل عمومی و ایجاد فضاهایی مساعد و دل‌نشین برای عابر پیاده است (دولتی، ۱۳۸۶، ص. ۱۴).

هاسه<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) معتقد است که پیروی الگوی رشد شهری از اصول رشد هوشمند، اثرات محیطی و هزینه‌های اجتماعی توسعه پراکنده گونه را کاهش می‌دهد.

دوند<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) بر این باور است که اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های رشد هوشمند مستلزم پذیرش آن دسته از سیاست‌گذاری‌هایی بوده که با الگوهای زندگی کم تراکم تناقض دارد. برنامه‌های رشد هوشمند شامل تأکید بر شاخص‌هایی نظیر منطقه بندی اختلاطی<sup>۵</sup>، طرح‌های جامع<sup>۶</sup>، مقررات کوچک‌مقیاس، سرمایه‌گذاری‌های مربوط به زیرساخت و توسعه‌های با تراکم بالا بوده است (بهتا<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰، ص. ۱۷۰ و بروکی میلان، ۱۳۹۶، ص. ۲۲).

شهر ساری به‌عنوان مرکز استان مازندران در چند دهه اخیر رشد و توسعه گسترده‌ای را تجربه کرده است؛ به‌طوری‌که جمعیت شهر ساری از ۷۰۷۳۵ نفر در سال ۱۳۵۵ به ۳۲۳۷۹۰ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۵). همچنین رشد و توسعه فیزیکی شهر در طی نیم‌قرن اخیر درخور توجه است، که

1. Batty
2. Newling
3. Hasse
4. Downs
5. Mixed-use zoning
6. Comprehensive Plans
7. Bhatta

مساحت شهر در طی آن شانزده برابر شده است و این در حالی است که جمعیت شهر طی این دوره حدوداً ۱۲ برابر شده است (مهندسین مشاور مازند طرح، ۱۳۸۵). علاوه بر آن این افزایش سریع جمعیت شهر و گسترش بی‌رویه آن شاهد فضا‌های نابرابر شهری بوده به طوری که مناطق چهارگانه این شهر روند نابرابری را از لحاظ برخورداری از شاخص‌های توسعه نشان می‌دهند. لذا آگاهی از این میزان نابرابری برای ایجاد تعادل و به‌منظور شکل دادن فضا‌های مناسب و همگون و همچنین در جهت برنامه‌ریزی صحیح و عدالت محور مبتنی بر رشد هوشمند ضروری به نظر می‌رسد. با عنایت به موارد گفته‌شده پژوهش حاضر به دنبال تبیین الگوی رشد هوشمند در شهر ساری است تا با نگاه به شهر با رویکرد رشد هوشمند و توجه به ظرفیت‌های توسعه بتواند این شهر را در جهت رسیدن به شهری پایدار رهنمون سازد.

## ۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این پژوهش به دلیل گستردگی شاخص‌های رشد هوشمند و همچنین کمبود اطلاعات از بین ۱۰ شاخص رشد هوشمند دو شاخص اصلی تراکم و کاربری مختلط انتخاب شد و جهت بررسی وضعیت مناطق چهارگانه شهر ساری از روش تصمیم‌گیری و اسپاس استفاده شده است. به‌منظور نهایی سازی شاخص‌ها، حجم نمونه بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران تکنیک دلفی و قانون اشباع نظری (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۲۹۳). برابر با ۱۵ نفر از مدیران، معاونین و کارکنان شهرداری ساری در قالب ۲ گروه ۷ و ۸ نفری استفاده شده است. پس از نهایی کردن شاخص‌ها، به احصا آن‌ها از طریق محاسبات آماری موجود در طرح جامع شهر ساری پرداخته و سپس سهم هر یک از مناطق شهر ساری استخراج گردید. با توجه به یکسان نبودن اهمیت شاخص‌ها، از طریق مدل آنتروپی شانون وزن این شاخص‌ها تعیین گردید. در مرحله بعد جهت رتبه‌بندی مناطق ساری، تکنیک واسپاس به کار گرفته شد. نتایج بررسی‌های محققان تأیید کرده‌اند میزان دقت مدل‌های ترکیبی در مقایسه با میزان دقت این مدل‌ها قبل از ترکیب شدن بیشتر است. یکی از این مدل‌های ترکیبی مدل ارزیابی تولید وزنی تجمعی (WASPAS) است. این مدل می‌تواند در مسائل پیچیده تصمیم‌گیری کارایی بالایی داشته باشد و همچنین نتایج حاصل از این مدل از دقت بالایی برخوردار باشند.

### ۲.۱. تکنیک ارزیابی تولید وزنی تجمعی

انتخاب روش‌های MCDM بر اساس پارامترهای مختلف در تحقیقات مختلفی مورد بحث قرار گرفته است (سیماناویچین و اوستینوویسوس، ۲۰۱۲). یکی از پارامترهایی که می‌تواند در انتخاب روش تصمیم‌گیری چندمعیاره مورد توجه قرار گیرد میزان دقت این مدل‌ها است. همچنین این محققان پیشنهاد می‌کنند ترکیب دو مدل می‌تواند میزان دقت آن را بالا ببرد (زاوادسکاس و همکاران، ۲۰۱۲، ص. ۳). میزان دقت نتایج مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (مدل جمع وزنی WSM و مدل تولید وزنی WPS) نسبتاً به خوبی شناخته شده است. مدل جمع وزنی یکی از

بهترین و شناخته‌شده‌ترین مدل‌های تصمیم‌گیری در حل مسائل چند معیاره است. یک مسئله در مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره با  $m$  گزینه و  $n$  معیار تصمیم‌گیری تعریف می‌شود. نشان‌دهنده اهمیت نسبی معیار و ارزش عملکرد گزینه  $i$  بر حسب معیار  $j$  است؛ بنابراین اهمیت نسبی نهایی گزینه  $i$ ، در تابع زیر به‌عنوان نشان داده شده است که در آن به‌عنوان مقدار نرمالیزه شده معیار  $j$  از گزینه  $i$  تعریف شده است (تریانتافیلو، ۲۰۰۰).

$$Q_i^{(1)} = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} \times w_j$$

بر اساس مدل تولید وزنی (WPM) اهمیت نسبی کلی گزینه  $i$  ام به‌عنوان نشان داده می‌شود که به‌صورت تابع زیر تعریف می‌شود (بریدگمن، ۱۹۹۲)

$$Q_i^{(2)} = \max \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j}$$

تلاش شده است یک معیار ترکیبی برای تعیین اهمیت نهایی هر گزینه بکار برده شود که در این معیار ترکیبی سهم برابری از (WSM) و (WPM) برای ارزیابی نهایی گزینه‌ها داده شود (سپاراسکاس<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۱، ص. ۲۰۰).

$$Q_i = 0.5Q_i^{(1)} + 0.5Q_i^{(2)}$$

$$Q_i = \lambda \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j + (1 - \lambda) \prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \quad , \quad \lambda = 0, \dots, 1$$

مقادیر بهینه  $\lambda$  می‌تواند با گسترش تابع زیر محاسبه شود:

$$\lambda = \frac{\sigma^2(Q_i^{(2)})}{\sigma^2(Q_i^{(1)}) + \sigma^2(Q_i^{(2)})}$$

واریانس‌های  $Q_i^{(1)}$  و  $Q_i^{(2)}$  از طریق توابع زیر بایستی محاسبه شود:

$$\sigma^2(Q_i^{(1)}) = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} w_j^2 \sigma^2(\bar{x}_{ij})$$

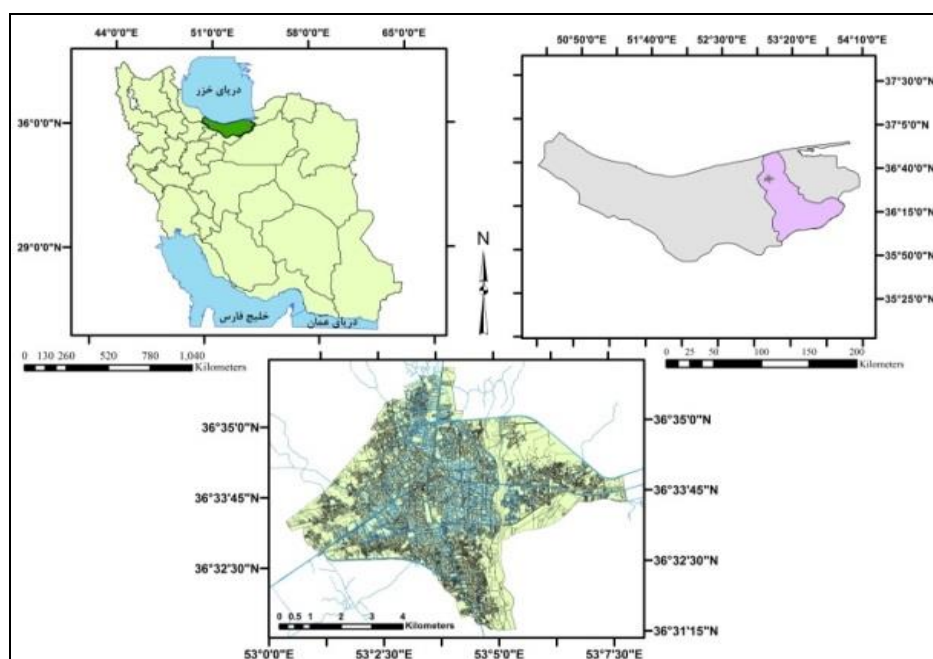
$$\sigma^2(Q_i^{(2)}) = \sum_{j=1}^n \left[ \frac{\prod_{j=1}^n (\bar{x}_{ij})^{w_j} \times w_j}{(\bar{x}_{ij})^{w_j} (\bar{x}_{ij})^{(1-w_j)}} \right]^2 \sigma^2(x_{ij})$$

برآورد واریانس مقادیر معیارهای نرمالیزه شده اولیه از طریق فرمول زیر محاسبه می شود:

$$\sigma^2(\bar{x}_{ij}) = (0.05\bar{x}_{ij})^2$$

## ۲.۲. محدوده جغرافیایی شهر ساری

شهر ساری به عنوان مرکز استان مازندران و شهرستان ساری بر سر راه تجارتي و توریستی تهران به سواحل جنوب شرقی دریای مازندران و شهرستان های شمال شرقی کشور قرار دارد و به دلیل موقعیت سیاسی- اداری دارای اهمیت و اعتبار خاصی است (طالبی کیاسری، ۱۳۹۶، ص. ۳۳). از لحاظ موقعیت طبیعی، این شهر در جنوب دریای مازندران و در منطقه جلگه ای شهرستان ساری قرار گرفته و از لحاظ توپوگرافی عمومی شهر ساری در طبقه ارتفاعی صفر تا ۱۰۰ متر استقرار یافته و شیب عمومی شهر از جنوب به شمال و بسیار ملایم است (مهندسین مشاور مازند طرح، ۱۳۸۹). شکل شماره ۳، موقعیت استان مازندران و شهر ساری را نشان می دهد.



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی شهر ساری

مأخذ: (مهندسین مشاور مازند طرح، ۱۳۸۹)

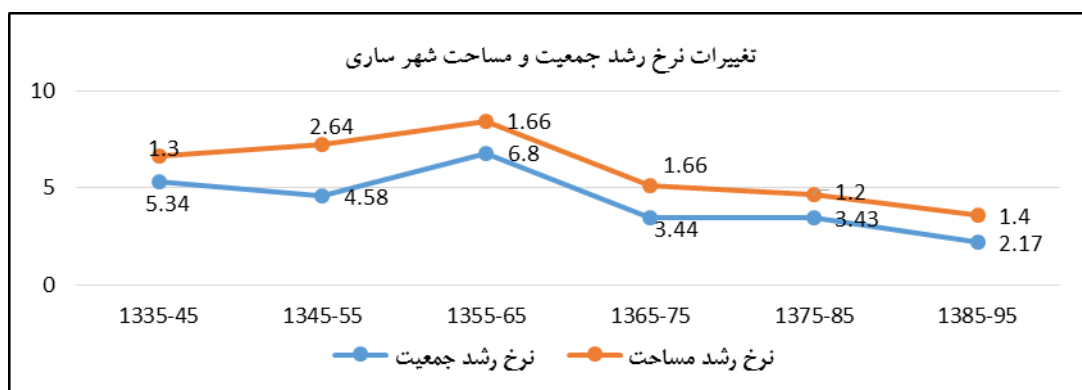


## ۴. یافته‌ها

## ۴.۱. تحلیل وضعیت شهر ساری به لحاظ شاخص‌های تراکمی رشد هوشمند

## ۴.۱.۱. تراکم جمعیتی (تراکم ناخالص مسکونی) ساری در دوره زمانی ۹۵-۱۳۳۵

در این قسمت به تحلیل وضعیت شهر ساری به لحاظ شاخص‌های تراکمی رشد هوشمند پرداخته می‌شود. تراکم جمعیتی، یا مقدار زیربنای واقع در سطح معینی از زمین را به‌عنوان تراکم ساختمانی محاسبه و تعریف می‌شود (عزیزی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱) و در اینجا از تراکم جمعیتی استفاده شده است. جمعیت ساری در سال ۱۳۳۵، ۲۷۰۳۷ نفر بوده و در سال ۱۳۴۵، ۴۵۴۸۸ نفر و در سال ۱۳۵۵، ۷۳۰۴۰ نفر و در سال ۱۳۶۵، ۱۴۱۰۲۰ نفر و در سال ۱۳۷۵، ۱۹۵۸۱۲ نفر و در سال ۱۳۸۵، ۲۶۱۲۹۳ نفر و در سال ۱۳۹۵، ۳۲۳۷۹۰ نفر بوده است.



شکل ۲. منحنی نرخ رشد جمعیت و مساحت شهر ساری (۹۵-۱۳۳۵)

همان‌طور که مشاهده می‌شود تراکم جمعیت شهر ساری در سال ۱۳۶۵، برابر با ۹۴ نفر بوده است که در سال ۱۳۹۵، به ۷۶۷۹ نفر در هکتار رسیده است که نشان از عدم رشد هوشمند شهری دارد. از سوی دیگر بررسی چگونگی توزیع و پخش تراکم در مناطق مختلف شهر به شناخت الگوی رشد، نقاط موردتقاضا برای توسعه و همچنین فرایند جمعیت پذیر کمک فراوانی نموده است. در بین مناطق شهر ساری، منطقه ۴ که بافت و هسته مرکزی شهر محسوب می‌شود دارای بیشترین تراکم ناخالص مسکونی و منطقه دو نیز کمترین تراکم کلی مسکونی را به خود اختصاص داده است. در مناطق ۴ گانه ساری طی سال ۹۵، تراکم جمعیتی به‌گونه‌ای نابرابر و نامتعادل توزیع گردیده، به‌طوری‌که با کاهش فاصله نقاط مسکونی از حاشیه شهر بر تراکم جمعیت آن‌ها افزوده شده است و در محدوده نزدیک به مرکز شهر ساری تراکم ناخالص جمعیت بسیار زیاد و حدود ۱۰۱ نفر در هکتار بوده است و به‌تدریج تراکم کم و در مناطق حاشیه‌ای حدود ۶۷ نفر در هکتار شده است.

## ۴.۱.۲. تراکم کلی مسکونی ساری در دوره زمانی ۹۵-۱۳۷۵

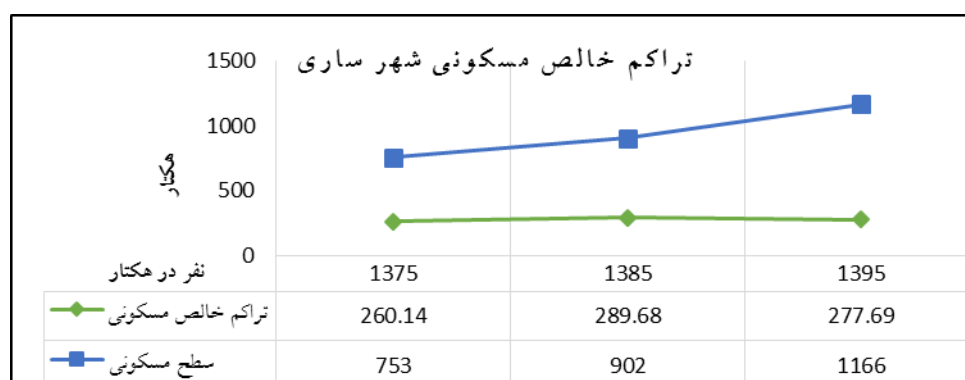
تراکم کلی مسکونی معادل نسبت سطح مسکونی به کل سطح محدوده است. در حالت استاندارد مابین ۲۵ تا ۳۰ درصد سطح به کاربری مسکونی اختصاص می‌یابد. بررسی این روند برای ساری نشان می‌دهد که از دهه ۷۵ این

مقدار رو به کاهش بوده و در سال ۹۵ تراکم کلی مسکونی ۲۷,۷ بوده است. همچنین در بین مناطق شهر ساری، منطقه ۴ مسکونی‌ترین منطقه بوده و دارای بیشترین تراکم کلی مسکونی است و منطقه یک نیز کمترین تراکم کلی مسکونی را به خود اختصاص داده است. اگرچه تراکم کلی مسکونی نسبت به دیگر شاخص‌های بررسی شده، کمتر وضعیت رشد فرم شهری را بیان نموده و بیشتر تغییرات سهم کاربری را نشان می‌دهد، اما همین شاخص تا حدی نشان از سیاست‌های حاکم در جهت تأمین خدمات شهروندان در دهه‌های اخیر و همچنین نشان از اینکه سطح خدماتی در دهه‌های میانی سده معاصر بسیار کمتر از اکنون بوده را دارد. به طوری که روندهای اقتصادی نیز تغییر نقش به مشاغل خدماتی را در دهه‌های اخیر تأیید می‌نماید.

#### ۴. ۱. ۳. تراکم خالص مسکونی (نفر در هکتار) شهر ساری در دوره زمانی ۹۵-۱۳۷۵

بر اساس آمار سال ۱۳۷۵، جمعیت ساری بالغ بر ۱۹۵۸۸۲ نفر بوده است. در این سال از ۲۵۰۰ هکتار سطح منطقه حدود ۷۵۳ هکتار را سطح خالص مسکونی اشغال نموده است. بدین ترتیب در این سال تراکم خالص مسکونی حدود ۲۶۰ نفر در هکتار بوده است. در سال ۱۳۸۵ نسبت به دهه قبل تراکم خالص مسکونی افزایش داشته و به ۲۸۹ نفر در هکتار رسیده است. در این سال با توجه به افزایش نرخ رشد نسبت به دهه قبل، جمعیت در حدود ۶۵ هزار نفر رشد کرد و سطح مسکونی نیز به ۱۵۰ هکتار افزایش پیدا نموده است.

در سال ۱۳۹۵ علیرغم اینکه بر جمعیت شهر و وسعت اراضی مسکونی افزوده شده، اما میزان تراکم خالص مسکونی نسبت به دهه قبل کاهش داشته و به ۲۷۷ نفر در هکتار رسیده است. به طوری که در این سال نسبت به دهه قبل حدود ۶۰ هزار نفر به جمعیت شهر افزوده گردیده که این افزایش در مقابل ازدیاد ۲۵۰ هکتاری کاربری مسکونی به وسعت ساری انجام گرفته و این امر سبب کاهش تراکم خالص مسکونی شده است (نمودار ۲). با نگاهی به نمودار ۲ به این نکته پی برده‌ایم که در طول چند دهه اخیر علیرغم افزایش سطح مسکونی، تراکم خالص نیز با نوساناتی همراه بوده و در ۱۰ سال اخیر کاهش یافته است.



شکل ۳. تغییرات تراکم خالص مسکونی ساری در دوره زمانی ۹۵-۱۳۷۵

مأخذ: (همان، ۱۳۹۴)

منطقه ۳ بالاترین تراکم خالص مسکونی و منطقه ۴ کمترین تراکم خالص مسکونی را به ترتیب با ۳۰۶/۵۹ و ۲۳۷/۱۲ نفر در هکتار در برمی‌گیرند.

#### ۴. ۱. ۴. سرانه مسکونی در ساری در دوره‌های مختلف ۹۵-۱۳۷۵

سرانه زمین مسکونی ساری در سال ۱۳۷۵، ۳۸,۴ مترمربع بوده است که دوره بعد روند کاهشی را داشته ولی در سال ۱۳۹۵ دوباره افزایش یافته است. در بین مناطق شهر ساری، منطقه ۴ با ۴۲/۱ نفر در هکتار، بالاترین سرانه مسکونی و منطقه یک نیز دومین رتبه را از نظر سرانه مسکونی به خود اختصاص داده است.

#### ۴. ۱. ۵. تعداد واحد مسکونی به واحد سطح در دوره زمانی ۹۵-۱۳۷۵

نسبت تعداد واحد مسکونی در سطح، از دیگر شاخص‌های مطلوب برای بررسی تراکم بر اساس دیدگاه رشد هوشمند شده است. بررسی آمارهای سه دوره برای ساری حاکی از این بوده است که در وضعیت کنونی در حدود ۲۰ واحد مسکونی در هر هکتار وجود داشته است. سنجش روند این شاخص نشان از کاهش نسبی آن داشته است. کاهش این شاخص در دوره اخیر نشان‌دهنده افزایش رشد پراکنده در سطح ساری است. هرچه میزان این شاخص پایین‌تر باشد، به معنی تراکم کمتر در سطح و نشانگر پراکنده رویی است.

#### ۴. ۲. ارزیابی شاخص‌های اختلاط کاربری مناطق شهر ساری

##### ۴. ۲. ۱. ارزیابی الگوی توزیع اختلاط کاربری‌ها

برای ارزیابی الگوی توزیع اختلاط کاربری‌ها، دودسته شاخص وجود دارد: میزان تنوع و خوشه‌بندی. به‌منظور انجام این ارزیابی، شاخص تعادل برای ارزیابی تنوع اختلاط دو نوع کاربری، شاخص Hertindahl-Hiroshman برای ارزیابی تنوع اختلاط بیش از دو نوع کاربری و شاخص عدم تجانس برای ارزیابی تنوع اختلاط هم دو نوع کاربری و هم بیش از دو نوع کاربری موردبررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

##### ۴. ۲. ۱. ۱. شاخص تعادل

اندازه‌گیری این شاخص بر اساس رابطه‌ی زیر صورت می‌پذیرد:

$$BALANCE = 1 - (|X1 - X2|)/(X1 + X2)$$

که  $X1$  مساحت کاربری نوع یک و  $X2$  مساحت کاربری نوع دو در منطقه است. اگر دو نوع کاربری به‌صورت برابر توزیع شده باشند، عدد این شاخص برابر یک خواهد بود. مقادیر کوچک‌تر، نابرابری بیشتر را نشان می‌دهند، درواقع اگر فقط یک نوع کاربری در منطقه مورد تحلیل وجود داشته باشد، مقدار شاخص برابر صفر خواهد بود. مزیت این شاخص راحتی در محاسبات آن است.

#### ۴. ۲. ۱. شاخص Hertindahl-Hiroshman (HHI)

اندازه‌گیری این شاخص بر اساس رابطه زیر صورت می‌پذیرد:

$$HHI (m) = \sum_{j=1}^N (X_j \times 100)^2$$

که در آن  $X_j$  درصد هر نوع کاربری در منطقه و  $N$  تعداد کاربری‌های مختلف است. اگر تنها یک نوع کاربری در منطقه موجود باشد شاخص HHI برابر ۱۰۰۰۰ خواهد بود. در این شاخص هر چه مقادیر به ۱۰۰۰۰ نزدیک‌تر باشند، نشان‌دهنده‌ی سطح کمتر از اختلاط خواهد بود. مزیت این روش سادگی آن است.

#### ۴. ۲. ۱. ۳. شاخص عدم تجانس

برای ارزیابی شاخص تنوع بر اساس معیار تجانس بین واحدهای مسکونی و غیرمسکونی، می‌توان از رابطه زیر

استفاده نمود:

$$D = 0.5 \sum_i^n |X_i - Y_i|$$

$n$  تعداد شبکه‌ها در ناحیه‌ی مورد تحلیل،  $X_i$  نسبت مساحت نواحی مسکونی در شبکه  $i$  مساحت نواحی مسکونی در تمام ناحیه مورد تحلیل و  $Y_i$  نسبت مساحت نواحی غیرمسکونی در شبکه  $i$  به مساحت نواحی غیرمسکونی در کل ناحیه مورد تحلیل است.

#### جدول ۱. نتایج به‌دست‌آمده برای شاخص‌های ارزیابی اختلاط کاربری در سطح مناطق شهر ساری

منطقه / شاخص	تعداد	HHI	عدم تجانس
۱	۰/۵۷۷	۰/۳۸۴	۰/۴۷۷
۲	۰/۴۸۴	۰/۲۹۱	۰/۳۴۵
۳	۰/۵۹۶	۰/۳۳۹	۰/۳۶۴
۴	۰/۸۶۱	۰/۵۱۳	۰/۲۷۳

برای ارزیابی تنوع اختلاط کاربری در بیش از دو نوع کاربری (مسکونی و غیرمسکونی) در سطح مناطق شهر ساری، مجموعه شاخص‌های تعادل، عدم تجانس و HHI پیاده‌سازی و اجرا شدند. با توجه به این‌که همه شاخص‌های ارائه‌شده در بازه‌ی صفر و یک قرار دارند. مناطقی که عددی بزرگ‌تر از صفر و کوچک‌تر از یک دارند وضعیت مطلوب‌تری دارند. مناطق ۴ و ۳ به علت دارا بودن کاربری‌های متنوع با توزیع مناسب در شهر ساری در بهترین وضعیت از نظر تنوع اختلاط کاربری‌های شهری قرار دارند؛ به‌عبارت‌دیگر برآیند اثرات مثبت و منفی اختلاط کاربری‌ها در آن‌ها نسبت به دو منطقه دیگر در منطقه مطالعه موردی بیشتر و مثبت‌تر است.

## ۳.۴. سایر شاخص‌ها

## ۳.۴.۱. سرانه کاربری اراضی رهاشده

اراضی رهاشده بخشی از سطوح شهری مانند اراضی بایر، اراضی قهوه‌ای و بافته‌ای فرسوده‌ای هستند که از آن‌ها بهره‌برداری مفیدی صورت نمی‌گیرد و به تعبیری فاقد کاربری بوده، یا به فعالیت‌های نامناسب و ناسازگار با فعالیت‌های شهری نظیر زندان، صنایع مزاحم و آلاینده و سایر کاربری‌های مشابه اختصاص یافته‌اند (برک پور و بهرامی، ۱۳۹۰، ص. ۲). از بین مناطق شهر ساری، منطقه ۴ با سرانه کاربری باغ و اراضی رهاشده‌ی ۶۶۷ مترمربع کمترین میزان را به خود اختصاص داده است.

## ۳.۴.۲. میزان مالکیت خودرو

این شاخص نیز در راستای هدف پژوهش با استفاده از داده‌های آماری پردازش شده تهیه شد. نتایج نشان می‌دهد از بین مناطق چهارگانه شهر ساری، منطقه ۴ با میزان مالکیت خودرو ۳۱/۱۲ درصد بیشترین میزان مالکیت خودرو را به خود اختصاص داده است.

## ۳.۴.۳. میزان دسترسی به محل کار

نتایج نشان می‌دهد از بین مناطق چهارگانه شهر ساری، منطقه ۴ با میزان دسترسی به محل کار ۲۷/۴۹ درصد بیشترین میزان دسترسی به محل کار را به خود اختصاص داده است.

## ۳.۴.۴. رتبه‌بندی مناطق شهر ساری از منظر شاخص‌های رشد هوشمند

در این بخش از پژوهش با استفاده از مدل تصمیم‌گیری WASPAS سعی شده است تا رتبه هر یک از مناطق ساری از نظر رشد هوشمند شهری سنجیده شود. مراحل دقیق این روش و فرمول‌های آن در قسمت روش تحقیق بیان گردیده است. در این قسمت برای شناسایی رشد هوشمند شهر ساری ۱۱ شاخص مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص‌های منتخب به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲. شاخص‌های تحلیل رشد هوشمند شهر ساری

شاخص	زیرشاخص	کد شاخص	نوع شاخص	واحد
شاخص‌های تراکمی	تراکم جمعیتی	C1	+	نفر در هکتار
	تراکم کلی مسکونی	C2	+	نسبت سطح مسکونی به کل سطح
	تراکم خالص مسکونی	C3	+	نفر در هکتار
	سرانه مسکونی	C4	+	نفر در هکتار
	نسبت تعداد واحد مسکونی به سطح	C5	+	واحد مسکونی در هکتار
شاخص‌های اختلاط کاربری	تعادل	C6	+	درصد
	HHI	C7	+	
	عدم تجانس	C8	-	
سایر شاخص‌ها	سرانه کاربری زمین‌های رهاشده	C9	+	مترمربع

شاخص	زیرشاخص	کد شاخص	نوع شاخص	واحد
	میزان مالکیت خودرو	C10	+	درصد
	میزان دسترسی به محل کار	C11	+	درصد

گام نخست در مدل WASPAS تشکیل ماتریس مکانی است. ماتریس تصمیم‌گیری متشکل از گزینه‌ها (سطرها) و شاخص‌ها (ستون‌ها) است. گزینه‌ها مناطق ساری و شاخص‌ها ۱۱ معیاری هستند که به آن‌ها اشاره شد و کدگذاری گردیدند (C1 تا C8)، به عنوان مثال C2 به معنی تراکم کلی مسکونی ساری است (جدول ۴).

جدول ۳. ماتریس تصمیم‌گیری شاخص‌های رشد هوشمند شهرداری ساری

منطقه	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11
۱	۷۵/۳۹	۲۸/۷۰	۲۶۲/۶۶	۳۸/۰۷	۲۱/۶۵	۰/۵۷۷	۰/۳۸۴	۰/۴۷۷	۴۱/۸۵	۲۲/۵۷	۲۱/۶۷
۲	۶۷/۶۲	۲۴/۱۸	۲۷۹/۶۲	۳۵/۷۶	۱۷/۴۹	۰/۴۸۴	۰/۲۹۱	۰/۳۴۵	۴۷/۰۱	۱۷/۱۴	۲۴/۷
۳	۹۲/۰۴	۳۰/۰۲	۳۰۶/۵۹	۳۲/۶۲	۲۳/۲۴	۰/۵۹۶	۰/۳۹۹	۰/۳۶۴	۳۳/۱۲	۲۹/۱۷	۲۶/۱۴
۴	۱۰۱/۸۷	۴۲/۹۶	۱۲,۳۲۷	۱۷,۴۲	۲۲/۷۳	۰/۸۶۱	۰/۵۱۳	۰/۲۷۳	۶/۶۷	۳۱/۱۲	۲۷/۴۹

در گام دوم پس از تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری شاخص‌ها، جهت استاندارد کردن آن، وزن دهی معیارها (w) صورت گرفته است. بدین منظور روش‌های تلفیقی متعددی مانند ANP، AHP، آنتروپی شانون و... وجود دارد، که متناسب با نیاز از آن‌ها استفاده می‌شود. در این تحقیق از روش آنتروپی استفاده شده است. از این شاخص به منظور تحلیل اطلاعات و درجه سازمان‌دهی یک سیستم می‌توان استفاده کرد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۰).

جدول ۴. وزن شاخص‌های به دست آمده در آنتروپی

وزن	معیار	وزن	معیار
۰/۰۷۶	HHI	۰/۰۴۳	تراکم جمعیتی
۰/۰۶۷	عدم تجانس	۰/۰۷۹	تراکم کلی مسکونی
۰/۵۰۷	سرانه کاربری زمین‌های ره‌اشده	۰/۰۱۵	تراکم خالص مسکونی
۰/۰۸۶	میزان مالکیت خودرو	۰/۰۱۵	سرانه مسکونی
۰/۰۱۳	میزان دسترسی به محل کار	۰/۰۲۰	نسبت تعداد واحد مسکونی به سطح
		۰/۰۸۰	تعادل

در گام سوم پس از محاسبه وزن شاخص‌ها، استاندارد کردن ماتریس وضع موجود با نوع شاخص‌ها (مثبت و منفی) از روش بی‌مقیاس سازی نورم استفاده شده است که فرمول آن عبارت است از:

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$$

جدول ۵. محاسبه ماتریس نرمال شده

منطقه	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11
۱	۰/۴۴۲	۰/۴۴۵	۰/۴۸۲	۰/۵۱۰	۰/۵۰۶	۰/۴۴۷	۰/۴۹۲	۰/۳۶۱	۰/۱۵۳	۰/۴۴۱	۰/۴۳۲
۲	۰/۳۹۶	۰/۳۷۵	۰/۵۱۳	۰/۴۷۹	۰/۴۰۹	۰/۳۷۵	۰/۳۷۲	۰/۴۹۹	۰/۱۳۶	۰/۳۳۵	۰/۴۹۲
۳	۰/۵۴۰	۰/۴۶۶	۰/۵۶۲	۰/۴۳۷	۰/۵۴۳	۰/۴۶۲	۰/۴۳۴	۰/۴۷۳	۰/۱۹۳	۰/۵۷۰	۰/۵۲۱
۴	۰/۵۹۷	۰/۶۶۶	۰/۴۳۵	۰/۵۶۵	۰/۵۳۱	۰/۶۶۸	۰/۶۵۷	۰/۶۳۰	۰/۹۶۰	۰/۶۰۸	۰/۵۴۸

پس از محاسبه‌ی وزن شاخص‌ها و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس وضع موجود، محاسبه واریانس مقادیر شاخص‌های نرمالیزه اولیه با استفاده از رابطه‌ی زیر صورت گرفته است:

$$Q_i^{(1)} = \sum_{j=1}^n \bar{x}_{ij} \times w_j$$

جدول ۶. محاسبه ماتریس واریانس

منطقه	C1	C2	C3	C4	C5	C6	C7	C8	C9	C10	C11
۱	۰/۰۰۰۴۹	۰/۰۰۰۵۰	۰/۰۰۰۵۸	۰/۰۰۰۶۵	۰/۰۰۰۶۴	۰/۰۰۰۵۰	۰/۰۰۰۶۰	۰/۰۰۰۳۳	۰/۰۰۰۰۶	۰/۰۰۰۴۹	۰/۰۰۰۴۷
۲	۰/۰۰۰۳۹	۰/۰۰۰۳۵	۰/۰۰۰۶۶	۰/۰۰۰۵۷	۰/۰۰۰۴۲	۰/۰۰۰۳۵	۰/۰۰۰۳۵	۰/۰۰۰۶۲	۰/۰۰۰۰۵	۰/۰۰۰۲۸	۰/۰۰۰۶۱
۳	۰/۰۰۰۳۷	۰/۰۰۰۵۴	۰/۰۰۰۷۹	۰/۰۰۰۴۸	۰/۰۰۰۷۴	۰/۰۰۰۵۳	۰/۰۰۰۴۷	۰/۰۰۰۵۶	۰/۰۰۰۰۹	۰/۰۰۰۸۱	۰/۰۰۰۶۸
۴	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۱۱۱	۰/۰۰۰۴۷	۰/۰۰۰۸۰	۰/۰۰۰۷۱	۰/۰۰۱۱۱	۰/۰۰۱۰۸	۰/۰۰۰۹۹	۰/۰۰۲۳۰	۰/۰۰۰۹۲	۰/۰۰۰۷۵

در مرحله‌ی پنجم واریانس‌های  $Q_i^{(1)}$  و  $Q_i^{(2)}$  برای وزن‌دار کردن جدول نرمالیزه‌ی به‌دست‌آمده و تشکیل ماتریس وزن‌دار نرمال شده بر اساس جدول زیر عمل شده است:

$$Q_i^{(2)} \text{ و } Q_i^{(1)}$$

جدول ۷. محاسبه واریانس‌ها

گزینه	$\sigma^2(Q_i^{(1)})$	$\sigma^2(Q_i^{(2)})$
منطقه ۱	۰/۰۰۰۰۱۰	۰/۰۰۰۰۴۸
منطقه ۲	۰/۰۰۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰۳۸
منطقه ۳	۰/۰۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۰۶۸
منطقه ۴	۰/۰۰۰۰۵۸۹	۰/۰۰۰۰۴۳۶

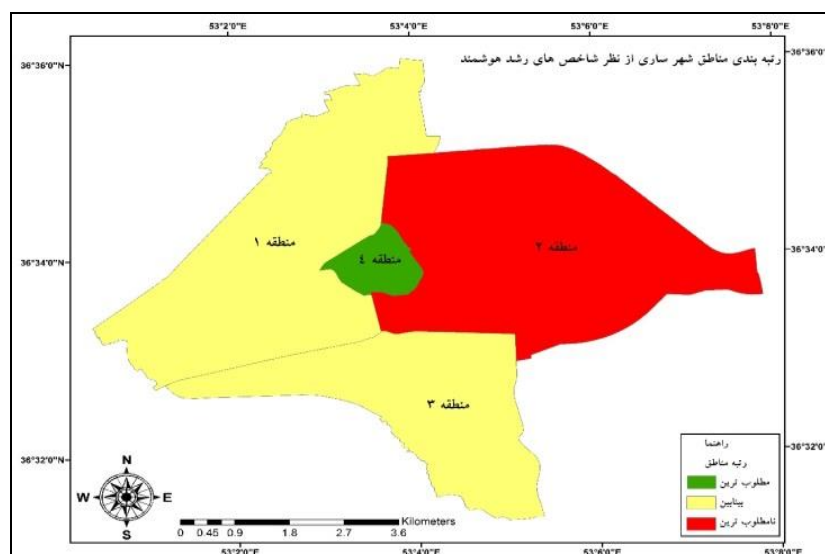
مأخذ: محاسبات نگارندگان

در مرحله ششم مقادیر بهینه  $\lambda$  به دست آمده و در نهایت به منظور انجام رتبه بندی از فرمول ذیل استفاده شده است. در واقع، مدل WASPAS برای رتبه بندی گزینه ها به ازای معیارها به کار می رود.

جدول ۸. مقادیر  $(\lambda)$  و  $Q_i$  برای هر یک از گزینه ها

رتبه	$Q_i$	$\lambda$	گزینه
۳	۰/۲۹۱	۰/۸۳۴	منطقه ۱
۴	۰/۲۶۰	۰/۸۵۲	منطقه ۲
۲	۰/۳۳۴	۰/۸۲۲	منطقه ۳
۱	۰/۷۸۴	۰/۴۲۵	منطقه ۴

هرچه مقدار  $Q_i$  به دست آمده به یک نزدیک تر باشد، نشان دهندهی درجهی بهتر رشد هوشمند و هرچه به صفر نزدیک تر باشد نشان دهندهی درجهی مطلوبیت کمتر است؛ یعنی بیشترین ارزش، بالاترین اولویت را دارد. بر اساس ارزش حاضر، مناطق ۴، ۳ و ۱ در زمینه رشد هوشمند شهری، رتبه های اول تا سوم را به خود اختصاص داده اند.



شکل ۴. رتبه بندی مناطق ساری از نظر شاخص های رشد هوشمند شهری

#### ۴. بحث

تحولات افزایش سریع جمعیت در اغلب شهرهای جهان سوم ناشی از بی برنامه گی در بهره برداری مناسب از زمین شهری و بی توجهی به اصل طرح کاربری زمین و الگوی آبی استفاده از زمین در شهر است که گسترش پراکنده رویی شهری را به دنبال داشته و می تواند عوارض جانبی را بر سلامت عمومی و محیط زیست به وجود آورد؛ در این راستا بسیاری از طرفداران بهداشت عمومی، رشد هوشمند را به عنوان یک راه حل بالقوه برای حل مشکل پراکنده



رویی توصیه می‌کنند (اذانی و پرورش، ۱۳۹۷، ص. ۵۷). امروزه تئوری رشد هوشمند نقش بسیار مهمی در توسعه شهری دارد. این رویکرد تلاش می‌کند کیفیت زندگی انسان‌ها را ارتقا بخشد و درصدد پاسخگویی به مسائل و مشکلات اجتماعی-اقتصادی، زیست‌محیطی و کالبدی شهرها است و می‌تواند راهگشای مدیریت شهری برای استفاده بهینه از امکانات و حل معضلات شهری باشد (مؤمنی اصفهانی و ملک حسینی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷۴). نتایج هر پژوهش مجموعه‌ای از دانش‌هایی پیرامون موضوع و یا مسئله‌ای که در واقعیت با آن روبرو هستیم می‌باشد. ماهیت بین‌رشته‌ای مطالعات شهری و علوم مرتبط به آن، لزوم مطرح‌شدن دیدگاه‌های فراگیر و همه‌جانبه‌نگر را مطرح می‌سازد. فرم شهری جلوه‌ای است کالبدی از مجموعه شرایط نادیده در درون شهر و در حقیقت بازتاب تصمیم‌گیری‌ها و در هم‌کنش‌های مجموعه عوامل و ساختارها در درون شهر می‌باشد. از این لحاظ مطالعه فرم توسعه شهری مستلزم بررسی ابعاد مختلف حاکم در درون شهرهاست و روبرو شدن با آن در جهت تغییر و دگرگون کردن آن مستلزم رویکردهای سیستماتیک در سایر بخش‌هاست.

اصولاً بعد از انقلاب صنعتی و دگرگونی اقتصادی-اجتماعی و مهاجرت‌های مختلف به نواحی شهری نوعی از الگوی توسعه شهری به وجود آمد که هر چند در ابتدای امر جدی گرفته نشد، اما با پیدایش معضلات و مشکلات ناشی از آن، این الگو مورد توجه بیشتر واقع گردید. در این الگو که شهرها به صورتی بی‌برنامه رشد نموده و محدوده‌های شهری در مدت کوتاهی به چندین برابر وسعت اولیه خود گسترش می‌یافتند یا توسعه آن‌ها در قطعاتی مجزا، بدون برنامه ریزی، ناموزون و بصورت جسته‌گریخته بود به الگوی گسترش یا پراکنده روی شهری معروف گردیده است. در کشور ما نیز تا زمانی که نظام سرمایه‌داری و پیوستن اقتصاد کشور به سرمایه‌داری پیرامونی، شهرهای کشوری نیز تغییرات زیاد جمعیتی و فیزیکی پیدا کردند و علاوه بر افزایش تعداد شهرها، جمعیت و مساحت اغلب شهرهای کشور رشد فوق‌العاده‌ای پیدا کرد. شهرسازی نیز از چنین وضعیتی برخوردار می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی شاخص‌های رشد هوشمند در مناطق شهری ساری و با به‌کارگیری یکی از جدیدترین مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره تدوین شده است و نتایج آن نشان می‌دهد که منطقه چهار یا همان منطقه مرکزی بهترین رتبه را از نظر رشد هوشمند دارا می‌باشد. استقرار خدمات موردنیاز و مناسب برای این منطقه، باعث افزایش جذابیت آن برای ساکنین گردیده و همچنین موجبات کاهش سفرهای شهری را نیز فراهم آورده است. در ارتباط با رتبه‌بندی مناطق شهر ساری نکات زیر نیز ضروری می‌باشد:

نکته اول: واقع شدن مناطق در سطوح بالای برخورداری، نشان‌دهنده وضعیت ایده‌آل در آن‌ها نبوده و فقط جایگاه منطقه مزبور را در ارتباط با سایر مناطق مشخص می‌نماید.

نکته دوم: در این پژوهش، تعیین سطوح توسعه مناطق از نظر رشد هوشمند بر اساس ۱۱ شاخص صورت گرفته است. بدیهی است در صورت در نظر گرفتن شاخص‌های متفاوت دیگر، این سطح بندی تغییر خواهد کرد.

## ۵. نتیجه گیری

در مقاله حاضر سعی شد که به رتبه بندی مناطق شهر ساری بر اساس شاخص های رشد هوشمند با استفاده از تکنیک WASPAS پرداخته شود. نتایج نشان داد بین مناطق از نظر شاخص های رشد هوشمند نابرابری وجود دارد. در واقع شاخص های رشد هوشمند در مناطق چهارگانه ساری توزیعی نامتعادل دارد، به صورتی که مناطق ۴ و ۳ از لحاظ توسعه و برخورداری از شاخص های رشد هوشمند ارائه شده توسعه یافته می باشند، و منطقه ۲ در پایین ترین سطح برخورداری قرار دارد. وضعیت بهتر شاخص های رشد هوشمند در چند منطقه یکپارچگی و به هم پیوستگی شهر ساری را مختل ساخته است و مناطق برخوردار به خودی خود از قابلیت رشد هوشمند برخوردار می باشند. در حالی که بقیه مناطق چنین وضعیتی را ندارند که این خود موجب شکاف رشد و توسعه در سیستم شهری در ساری شده است.

نتایج نهایی حاصل از این پژوهش به مانند پژوهش های گذشته از جمله آنجل (۲۰۰۷)، اوینگ (۲۰۰۸)، هدایت و کاجیتا (۲۰۱۹) و تیان و همکاران (۲۰۱۶) نشان داد که رشد فرم فضایی شهر، تحت تأثیر عوامل مدیریتی و سیاسی می تواند به پراکنده رویی شهری منجر گردد. در حقیقت ناکارآمدی مدیریت شهری، وجود اراضی حاشیه ای، قیمت زمین و سیاست واگذاری زمین و مسکن، می تواند به عنوان مهم ترین عوامل تأثیرگذار در رشد پراکندهی شهر ساری عمل کند.

نتایج این پژوهش می تواند با توجه به نیازها و اهداف مطالعاتی، مورد استفاده سازمان های زیربند: شهرداری ساری، اداره حمل و نقل و ترافیک شهر و اداره آب و فاضلاب شهری، در بررسی نواحی شهری مورد توجه قرار گرفته و علاوه بر آن به برنامه ریزان شهری در ارائه برنامه های منطبق با این موضوع یاری رساند. همچنین محققان در این پژوهش با مسائل و مشکلات عدیده ای روبرو بوده اند که می توان به مواردی همچون عدم دسترسی به منابع آماری جدید و همچنین عدم هماهنگی و ارتباط بین ادارات مختلف، محدودیت زمانی تحقیق، کم کاری سازمان ها و نهادهای ذیربط محل مورد مطالعه در انجام تحقیق و کمبود منابع ترجمه شده در ارتباط با رشد هوشمند شهری اشاره کرد. در انتهای پژوهش، در زمینه کاهش پراکنده رویی این منطقه و جهت دهی رشد شهر به سمت رشد هوشمند، پیشنهادات زیر ارائه گردیده است:

- استفاده از ظرفیت های موجود در درون مناطق و بافت شهر. از آنجاکه بافت شهری ساری با فضاهای خالی و بدون استفاده همراه است، می توان از ظرفیت های توسعه ای آنها بهره برد.
- توزیع متعادل کاربری های شهری در سطح محله های شهر به طوری که محله های شهر از کاربری های مورد نیاز در مقیاس محله برخوردار باشند. در حال حاضر به علت تراکم و انباشتگی واحدهای تجاری، خدماتی، اداری و درمانی در مناطق و محله های برخوردار، ترافیک شدیدی در محله های مرکزی شهر وجود دارد که در صورت توزیع متعادل کاربری ها نه تنها ترافیک محدوده مرکزی کاهش می یابد بلکه موجب رونق و بهبود وضعیت کالبدی محله های محروم نیز می شود.

## کتاب‌نامه

۱. احمدی، م.، حاتمی نژاد، ح.، پوراحمد، ا.، زیاری، ک.ا.، و زنگنه شهرکی، س. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل متغیرهای حق به سلامت شهری (مطالعه موردی: شهر بجنورد). پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲)، ۳۰۹-۲۸۵.
۲. اذانی، م.، و پرورش، ر. (۱۳۹۷). مقایسه الگوی کاربری زمین، پراکنده رویی و رشد هوشمند در توسعه پایدار (مطالعه موردی: منطقه یازده شهر اصفهان). فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۷(۲۵)، ۵۷-۷۲.
۳. افضلی، م.، ابدالی، ی.، و حیدری، ا. (۱۳۹۹). تحلیل کالبدی- فضایی شهر خرم‌آباد با استفاده از شاخص‌های رشد هوشمند شهری. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۳)، ۳۵-۵۰.
۴. برک پور، ن.، و بهرامی، ص. (۱۳۹۰). قابلیت سنجی توسعه مجدد در بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی محله انبار نفت منطقه ۱۱ تهران). فصلنامه شهر ایرانی-اسلامی، ۴، ۱۴-۱.
۵. بروکی میلان، م. (۱۳۹۶). امکان‌سنجی افزایش تراکم جمعیتی در محلات شهری با رویکرد رشد هوشمند شهری مطالعه موردی محله قره آغاج شهر تبریز. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده برنامه‌ریزی و علوم محیطی، دانشگاه تهران.
۶. پوراحمد، ا.، حسام، م.، آشور، ح.، و محمدپور، ص. (۱۳۸۹). تحلیلی بر الگوی گسترش کالبدی- فضایی شهر گرگان با استفاده از مدل‌های آنتروپی شانون و هلدرن. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱(۳)، ۱۸-۱.
۷. خمر، غ.، و حیدری، ا. (۱۳۹۵). ارزیابی الگوی رشد هوشمند شهری در شهرهای جدید ایران با تأکید بر شهر جدید صدرا با استفاده از مدل SLEUTH. فضای جغرافیایی، ۱۶(۵۳)، ۲۵۳-۲۷۰.
۸. دولتی، ه. (۱۳۸۶). بررسی معیارهای رشد هوشمند و انطباق آن با رشد شهر بابلسر. تهران: پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۹. رسولی، م.، استعلاجی، ع.، و ولی شریعت پناهی، م. (۱۳۹۷). سطح بندی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان ساوه از نظر میزان محرومیت و درجه توسعه یافتگی با استفاده از شاخص ناموزون موریس. نگرش نو در جغرافیای انسانی، ۱۰(۲)، ۲۰۳-۲۱۶.
۱۰. رضایی بزنجانی، ر.، اذانی، م.، صابری، ح.، و مؤمنی، م. (۱۳۹۸). برنامه‌ریزی راهبردی مناطق شهری کرمان بر اساس رشد هوشمند شهری. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۰(۱)، ۱۵۷-۱۷۹.
۱۱. رهنما، م.، و حیاتی، س. (۱۳۹۲). تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مشهد. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۱(۴)، ۷۱-۹.
۱۲. سیف‌الدینی، ف. (۱۳۸۶). مبانی برنامه‌ریزی شهری. تهران: انتشارات آبیژ.
۱۳. سیف‌الدینی، ف.، و شورچه، م. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی و طراحی هوشمندانه کاربری زمین و حمل و نقل شهری. تهران: انتشارات پرهام.
۱۴. طالبی کیاسری، ز. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل کاربری زمین بر میزان دسترسی (مطالعه موردی شهر ساری). ساری: پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

۱۵. عبدالی، ا.، کلانتری خلیل آباد، ح.، و پیوسته گر، ی. (۱۳۹۸). تحلیل فضایی - کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص‌های رشد هوشمند شهری نمونه موردی: شهر یاسوج. فصلنامه دانش شهرسازی، ۳(۲)، ۸۳-۹۷.
۱۶. عزیزی، م. م. (۱۳۸۸). تراکم در شهرسازی (اصول و معیارهای تراکم بهینه). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. علی‌اکبری، ا. (۱۳۹۶). توسعه درونی: ظرفیت‌ها و ضرورت‌های مدیریت رشد و بازآرایی فضایی کلان‌شهر تهران. فصلنامه جغرافیا، ۱۵(۵۳)، ۷۲-۵۵.
۱۸. فردوسی، س.، و شکری فیروز جاه، پ. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی - کالبدی نواحی شهری بر اساس شاخص‌های رشد هوشمند. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۶(۲۲)، ۱۵-۳۲.
۱۹. قرخلو، م.، و زنگنه‌شهرکی، س. (۱۳۸۸). شناخت‌الگوی رشد کالبدی - فضایی شهر با استفاده از مدل‌های کمی (مطالعه موردی: شهر تهران). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۰(۲)، ۱۹-۴۰.
۲۰. کرکه آبادی ز.، و مسلمی، ع. (۱۳۹۹). تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری با مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره (مورد مطالعه: شهر گرگان). مطالعات جغرافیایی مناطق کوهستانی، ۱(۲)، ۳۵-۵۰.
۲۱. مرکز آمار ایران. (۱۳۳۵-۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۲. مشکینی، ا.، پورمحمدپور، م.، رحیمی، م.، اکبرپور، م. (۱۳۸۹). ارزشیابی و تحلیل کاربری‌های شهری با تأکید بر کاربری فضای سبز شهری شهر گلستان. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۵، ۹۲-۱۱۵.
۲۳. مودت، ا.؛ ملکی، س.، و مؤمنی، ک. (۱۳۹۶). ارزیابی و سنجش ساختار فضایی و خزش شهری (مطالعه موردی: شهر یزد). جغرافیای اجتماعی شهری، ۴(۲)، ۱۵۱-۱۷۵.
۲۴. مومنی اصفهانی، س.، و ملک حسینی، ع. (۱۴۰۰). تحلیل و ارزیابی میزان تاثیرگذاری شاخص‌های رشد هوشمند بر توسعه شهری اراک. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۳)، ۱۹۸-۱۷۴.
۲۵. مهندسین مشاور معماری و شهرسازی مازند (۱۳۸۹). طرح بازنگری طرح جامع سار. ساری: مهندسین مشاور معماری و شهرسازی مازند.
۲۶. نسترن، م. (۱۳۸۹). کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولوی‌تنبندی توسعه‌ی پایدار مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان). مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۱(۳۸)، ۱۰۰-۸۳.

27. Angel, S., Parent, J., & Civco, D. (2007). Urban sprawl metrics: An analysis of global urban expansion using GIS. Florida: ASPRS 2007 Annual Conference Tampa.
28. Batty M. (2000). *Less is more, more is different: complexity, morphology, cities, and emergence (Editorial)*. Environment and Planning B: Planning and Design, 27(2), 167-168.
29. Bhatta, B. (2010). *Analysis of urban growth and sprawl from remote sensing data, Computer Science & Engineering Computer Aided Design Centre*. Heidelberg, Dordrecht, London, & New York: Springer
30. Bridgman, P.W. (1992). *Dimensional Analysis*. New Haven. CT, U.S.A: Yale University Press.
31. Chen, H., Jia, B., & Lau S.S.Y, (2008). Sustainable urban form for Chinese compact cities: Challenges of a rapid urbanized economy. *Habitat International*, 32, 28-40.
32. Ewing, R., & Hamidi, S. (2015). Compactness versus sprawl: A review of recent evidence from the United States. *Studies Urban, Review Literature A*, 30(4), 1-30.

33. Hess, G., Morin, V., Daley, S., Snow, C., Potter, K., Dennison, B., Wrege, B., Savage, R., Mc Guinn, R., Lubkin, S., & Shelton, W. (2001). Just what is sprawl, anyway? *Carolina Planning*, 26(2):11-26.
34. Jain, M. (2013). *Analyzing effectivity of urban growth management in the National Capital Region Delhi, India*. Shekar Verlag: Aachen.
35. Newling, B.E. (1969). The spatial variation of urban population densities. *Geographical Review*, 59, 242-252.
36. Saparauskas, J., Zavadskas, E.K., & Turskis, Z. (۲۰۱۱). Selection of facade's alternatives of commercial and public buildings based on multiple criteria. *International Journal of Strategic Property Management*, 152, 189-203.
37. Simanaviciene, R., & Ustinovicus, L.A. (2012). New approach to assessing the biases of decisions based on multiple attribute decision making methods. *Electronics and Electrical Engineering*, 1(117), 29-32.
38. Triantaphyllou, E. (2000). *Multi-Criteria Decision Making: A Comparative Study*. Dordrecht, Netherlands: Kluwer Academic Publishers.
39. Zavadskas, E.K., Turskis, Z., Antucheviciene, J., & Zakarevicius, A. (2012). Optimization of weighted aggregated sum product assessment. *Electronics and Electrical Engineering*, 622, 3-6.